

ستاره درخشان یا نجم الثاقب

در احوال امام غائب علیه السلام

میرزا حسین طبیرسی نوری

www.ketab.ir

به نام او که هر چه داریم از اوست

ستاره درخشان یا نجم الثاقب (در احوال امام غائب)

میرزا حسین طبرسی نوری

انتشار: هفت اختر اندیشه

۶ صفحه ریزی

چاپ: ۱۳۰۳

تیراژ: ۵۰۰ عدد

قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۰۹-۸۷-۹

سرشناسه: نوری، حسین بن محمد تقی، ۱۲۵۴ - ۱۳۱۱ ق.
عنوان و نام پدیدآور: ستاره درخشان، یا، نجم الثاقب در احوال امام غائب علیه السلام / حسین طبرسی نوری.
مشخصات نشر: تهران: هفت اختر اندیشه، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری: ۶۶۶ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۰۹-۸۷-۹: ۳۵۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی: فیا
یادداشت: کتاب حاضر نخستین بار تحت عنوان "... نجم الثاقب: مشتمل بر احوال امام غائب حضرت بقیه الله صاحب العصر
والزمان عجل..." توسط انتشارات علمیه اسلامیة در سال [۱۳۶۳ق] و سپس در سال [۱۳۶۳ق] توسط ناشران متفاوت منتشر
شده است.
عنوان دیگر: ... نجم الثاقب: مشتمل بر احوال امام غائب حضرت بقیه الله صاحب العصر والناس عجل.
موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق -
موضوع: مهدویت
رده بندی کنگره: ۳۱۳۹۲ ن ۹ / BP۵۱۷
رده بندی دیویی: ۲۹۷ / ۹۵۹
شماره کتابشناسی ملی: ۳۵۱۲۹۵۷

تهران - حکیمیه - تهران پارس - بلوار بهار - خیابان سازمان آب - خیابان رضوان - بلوک ۳ - واحد ۲۰

۰۹۳۷۵۷۵۱۸۱۹-۷۷۰۰۶۶۵۰

فهرست

۷	مقدمه پیشگفتار
۱۹	باب اول
۴۵	باب دوم
۱۱۱	باب سوم
۱۵۱	باب چهارم
۱۹۵	باب پنجم
۲۴۷	باب ششم
۲۷۳	باب هفتم
۵۴۹	باب هشتم
۵۵۹	باب نهم
۵۶۷	باب دهم
۶۱۹	باب یازدهم
۶۴۵	باب دوازدهم

مقدمه و پیشگفتار

سپاس بیرون و انداز در حقیقت، سزاوار قائمی است بالذات، غایب از عالم اندیشه و حواس و ستایش بی حد و احصاء لایق صاحب است ماء موم و مرتجی، در زمان شدت و رخاء. هادی است هر آنچه را که پدید آمد نمود و دلیل است مر آن را که به فرمائش عمل نمود و درود بی نهایت به روان پاک نخستین و سرخ دهنده به بلی و برگزیده ایزد بی چون، پیش از پوشیدن بر آدم، خلعت اصطفارا، فتح ابواب خیر و رشاد، خاتم رسولان پاک نهاد، منصور مؤید، محمود احمد، ابی القاسم محمد صلی الله علیه و آله و بر پاکان و پاکیزگان از فرزندان آن سرور پیمبران، خصوصاً بر خلف سلف و صاحب غایت و شرف، قطب زمین و غوث زمان، کنز رجا و کشف امان و گوهر تابان در بحرامکاران و صاحب انبیا ایزد سبحان و اسم اعظم الهی پوشیده و پنهان و عنقای قاف، محیط به جهان، در راس فرمانندگان و دادخواه خون برگزیدگان و پاک کننده دامن خاک از لوث ملحدان و فرمانفرمای ملک زمین و آسمان و حجت بالغه خداوندی بر جهان و جهانیان بقیة الله، الحجة بن الحسن بعد مکرری، صاحب العصر والزمان علیه و علی آبائه صلوات الله الملك الممان.

و بعد چنین گوید: بنده مذهب موسی، حسین بن العالم المؤید، محمد تقی النوری الطبرسی احسن الله تعالی عاقبتہ و جعل من اشرف الخواتیم خاتمه که عالیجاه، رفیع جایگاه، کمالات اکتناه، مقرب الخاقان، حاجی میرزا حسینعلی خلیف غفران پناه، حاجی علی اصغر نوری و فقه الله تعالی لمراضیه حسب سلامتی فطرت و پاکی طینت، در فکر تحصیل زادی برای معاد و وسیله فوزی، در مقام مرصاد برآمد، چنان دید که وسیله ای بهتر از چنگ

زدن به دامان خلیفه الرحمن و امام الانس و الجان علیه السلام و خدمتی به آن ولیّ علی القدر عظیم الشان نیست.

لهذا در چند ماه قبل، از جناب مستطاب فخر الشیعه و تاج الشریعه و رئیس المسلمین و سید الفقهاء کاملین و افضل العلماء الراشدين، المنتهی الیه ریاسة الامامیة فی عصره، حجة الاسلام حاج میرزا محمد حسن شیرازی، مجاور بلدة طيبة سرّ من راءى متّع الله تعالی اهل الایمان بطول یقائه، مستدعی شد که مقرر فرمایند تا کتاب شریف (کمال الدین)، شیخ امام، ابو جعفر محمد بن علی بن بابویه) ملقب به (صدوق) رضوان الله علیه را به زبان فارسی ترجمه کرده تا آن را به حلیه طبع درآورد و در میان اهل ایمان منتشر سازد. جناب ایشان دام ظلّه الی الی اجاب آن مسئّل، مشورت فرمودند.

معروف داشتم که: عالم فاضل، (سید علی بن سید محمد اصفهانی) معروف به (امامی)، تلمیذ (علامة مجلس)، کتاب را ترجمه نموده و از اجزای کتاب هشت بهشت اوست که ترجمه هشت کتاب است، چنانچه عیون و امالی و خصال.

و نیز بعضی از فضلاء خاصین از سادات شمس آباد اصفهان، کتاب شریف مذکور را ترجمه نموده و ترجمه دوباره آن را بر من استوفی فایده، بهتر آنکه همان را منتشر نمایند.

پس، از آن خیال منصرف شدند و آن کتاب دیگر صحبت داشتند. سخن به جایی منتهی نشد و مدتی برای گذشت تا در ماه شعبان گذشته، از سنه ۱۳۰۳ شبی در محضر ایشان حاضر بودم که سخن آن مطلب در میان آمد و باز جایی آوردند و بالاخره فرمودند: (بهتر آنکه مستقلاً در این باب، کتابی نوشته شود و شمس از برای این خدمت نمایان، شایسته هستی.) اما حقیر به علت قلت بضاعت علمی و کثرت کتاب پریشانی و حاضر نبودن بیشتر کتابهایم که اسباب انجام این شغل عظیم بود، عرض کردم: سادات اقدام در این امر خطیر فراهم نیست و لکن سال گذشته رساله‌ای مسمی به (جنت المانی) نوشته‌ام در آنجا، جمع کردم کسانی را که در غیبت کبری به خدمت امام عصر علیه السلام رسیدند و غیب از آنچه در سیزدهم بحار مذکور است؛ چنانچه صلاح باشد همان را به فارسی ترجمه کرده، موجود در بحار را بر آن بیفزایم؛ کتابی شود لطیف و برآمدن از عهده آن آسان.

این رای را پسندیدند و لکن فرمودند: (اقتصار بر آن نشود. شمه‌ای از حالات آن جناب نیز به آن منضم شود، هر چند به ایجاز و اختصار باشد.)

حسب الامر المطاع العالی، در انجام این خدمت اقدام نموده بانهایت یاعس از حال

خویش، جز آنکه حق مجاورت قباب عالیہ حضرتین علیہما السلام را وسیلہ کنم و از آن باب عالی استمداد نمایم.

بحمدالله، از برکت آن محل، برکات الهیہ، در اندک زمانی، این خدمت مر جوعہ بہ انجام رسید. شکر حضرت یزدان، جلّ ثناؤہ را بجای آوردم. و نام این ناصہ گرامی را نجم الثاقب در احوال امام زمان علیہ السلام گذاشتم و مطالب آن را در ضمن دوازده باب بیان نمودم.

معرفی کتب غیبت و نویسندگان آنها

بلال السروع در فهرست اجمالی ابواب و دخول در مطالب کتاب، بایست تنبیہ نمود بر مقدمه و آن، آن است کہ کتب متعلق بہ احوال آن حضرت صلوات الله علیہ کہ معروفند بہ (کتب غیبت) بسیار است و آنچه حاضر الوقت از اسامی آنها بہ نظر رسیده:

- کتاب غیبت ابوالعباس یا ابوعلی، احمد بن علی رازی خصب آبادی.
- کتاب مختصر فی القرآن فی صاحب الامر علیہ السلام از ابو عبدالله، احمد بن محمد بن عیاش
- کتاب ترتیب الادلة فیما یلزم خصم الامامیة دفعه عن الغیبة والغایب از احمد بن حسین بن عبدالله مہرانی
- کتاب فی ذکر القائم من آل محمد صلی علیہ السلام از احمد بن رمیح المروزی.
- کتاب المہدی از ابی موسی، عیسی بن مہران
- کتاب غیبة از حسن بن حمزة العلوی الطبری
- کتاب اثبات الرجعة معروف بہ (غیبت) از ابی محمد بن شاذان نیشابوری.
- کتاب الحجّة فی ابطاء القائم علیہ السلام از آن جناب.
- کتاب ازالة الرّان عن قلوب الاخوان در غیبت، از ابوعلی، احمد بن محمد بن جنید معروف بہ ابن جنید.
- کتاب کمال الدین از شیخ صدوق.
- رسالہ غیبت برای اهل ری از آن جناب.
- کتاب غیبت از شیخ جلیل، محمد بن مسعود عیاشی، صاحب تفسیر.
- کتاب رجعت نیز از او.
- کتاب غیبت از ابی عبدالله، محمد بن ابراہیم نعمانی و تملیذ ثقة الاسلام کلینی و این

- کتاب، لاز نفایس کتب مدوّنه در این باب است.
- شیخ مفید در (ارشاد) از آن مدح کرده و چنان ظاهر می شود که قبل از آن، بهتر از آن، تصنیفی در این باب نشده.
 - رساله غیبت از شیخ مفید.
 - کتاب مقتع در غیبت از سید مرتضی که برای وزیر مغربی نوشته.
 - کتاب غیبت از شیخ الطایفه، ابی جعفر طوسی.
 - کتاب برهان در طول عمر صاحب الزمان علیه السلام از ابوالفتح، محمد بن علی بن عثمان و علامه چکی آن را جزو کتاب کنز الفوائد خود کرده.
 - کتاب سیرت بر زمان علیه السلام از محمد بن جمهور عمی، صاحب کتاب واحده.
 - کتاب وقایع خروج قائم علیه السلام نیز از او.
 - کتاب فرج کبری در غیبت از ابو عبدالله، محمد بن هبة بن جعفر وراق طرابلسی.
 - کتاب غیبت از ابوالحسن، علی بن حسین حمّدانی که از سفراء امام علیه السلام است، چنانچه شیخ منتجب الدین در رجال خود فرموده.
 - کتاب توقیعات غیبت از عبدالله بن جعفر حمیری.
 - کتاب جنا الجنّین، فی ذکر ولد السّکّین علیهما السلام از قطب راوندی.
 - کتاب سلطان الفرج عن اهل الامان، کتاب سرور اهل الایمان فی علائم ظهور صاحب الزمان علیه السلام و کتاب غیبت هاشم بن اسماعیل بن ابی حمزه، علی بن عبدالکریم بن عبدالحمید حسینی نبلی جعفری، صاحب کتابت و کلمات و استاد این فہم.
 - بعضی احتمال داده اند که دو کتاب اخیر، یکی به کدامین که شیخ حرّ عاملی در (امل الامل) در احوال سید مذکور، فرموده که از تصانیف ابوالانوار المصنّف است در احوال مهدی علیه السلام، اشتباه است. چه انوار المصنّف فی حکمة الشرعیة از کتبی است که نظیر ندارد؛ مشتمل است بر جمیع مسایل اصول دین و فروع و ابواب فقه و اخلاق و ادعیه و غیرها. اگر چه احوال آن جناب را در مجلد اول و دوم من حالات سایر ائمّه علیهم السلام بسطی داده، لکن کتاب، اختصاصی ندارد به آن حضرت.
 - کتاب بحار الانوار مجلد سیزدهم که اجمع کتبی است که در غیبت نوشته شده. رساله رجعت نیز از آن مرحوم.
 - کتاب کفایة المہتدی، فی احوال المہتدی از سید محمد بن محمد لوحی حسینی

موسوی سبزواری، ملقب به مطهر و متخلص به نقیبی، تملیذ محقق داماد و بیشتر آنچه در آن کتاب نقل کرده، از کتاب فضل بن شاذان است که اولاً خبر را با سند و متن نقل کرده، آنگاه ترجمه نموده و نیز غیبت شیخ طرابلسی و غیبت حسن بن حمزه مرعشی در نزد او بوده و ما آنچه از این سه کتاب نقل کنیم به توسط این کتاب است. رساله شرعة التسمیة از محقق داماد رحمه الله.

رساله کشف التعمیة فی حکم التسمیة از شیخ محدث حر عاملی.

کتاب ایقاز الہجعة فی اثبات الرجعة نیز از آن مرحوم.

■ رساله رجعت از امیر محمد مؤمن استرآبادی از مشایخ اجازه علامه مجلسی.

■ رساله رجعت از امام بردن اسم امام زمان علیه السلام از عالم محقق نحیر، شیخ سلیم ماجری بحرانی.

■ رساله فلک الموعود از جناب سید باقر قزوینی.

■ کتاب مولد قائم عالم السلام، کتاب محجة فیما نزل فی الحجة علیه السلام و کتاب تبصرة الولی فیمن رآه القیم، مهدی علیه السلام هر سه از محدث خیر، سید هاشم توبلی بحرانی.

■ کتاب عوالم مجلد از آن کتاب غیبی فضل آقا آخوند ملا کاظم هزار جریبی، و آن مختصری است از ترجمه بحار یا ترجمه ای است از مختصر بحار.

■ رساله جنة المآوی فیمن فاز بقاء الحجج علیه السلام فی الغیة الکبری از حقیر و آن به منزله مستدرکی است از باب بیست و سوم بلاء بیست و چهار، ترجمه سیزدهم بحار و ترجمه کمال الدین.

■ رساله غیبت از سید جلیل، سید دلدار علی نقوی همدانی نویسنده ای که از فحول علمای آن بلاد بود و صاحب تصانیف رائقه بسیار و از جناب بحار علیه السلام اجازه دارد و این رساله، رد است بر اقوال عبدالعزیز دهلوی در غیبت آن صاحب صلوات الله علیه و غیر آنها از مؤلفات که بعضی، دارای تمام حالات آن جناب است به قدر استعداد مؤلف و بعضی در تنقیح بعض از امور متعلقه به آن حضرت صلوات الله علیه.

با این همه تصانیف، باز جمله ای از مطالب مربوط به آن جناب، در زوایای کتب اصحاب

مانده که تاکنون در کتب غیبت، جمع نشده و چون این حقیر بی بضاعت، بنای استقصای مطالب موجوده در آن کتب را ندارم، لهذا به بعضی از مستطرفات حالات و نوادر امور منسوبه

فهرست اجمالی

باب سوم: مشتمل بر دو فصل:

سوم: آنکه حسنی است.

چهارم: آنکه حسینی است و بیان صحبت اینقول و ابطال آن سه، به نحو اوفی.
 اختلاف دوم در اسم پدر آن جناب و در آن دو قول است:
 اول: قول امامیه که نام پدر آن جناب حسن علیه السلام است.
 دوم: قول بعضی از عامه که نام او عبدالله است و ابطال این قول.
 اختلاف سوم در تشخیص و تعیین آن جناب و در آن ده قول است:
 اول: قول کسانی که محمد بن حنفیه است یا پسر او.
 دوم: قول مغیره که محمد بن عبدالله بن حسن بن حسن علیه السلام است.
 سوم: اسماعیلیه خالصه که اسماعیل پسر حضرت صادق علیه السلام است.
 چهارم: نادیه که حضرت صادق علیه السلام است.
 پنجم: مکیه که محمد بن اسماعیل بن امام جعفر صادق علیه السلام است.
 ششم: واقفیه که محمد بن کاظم علیه السلام است.
 هفتم: عسکریه که حضرت عسکری علیه السلام است.
 هشتم: محمدیه که ابوبکر محمد بن علی الهادی علیه السلام است.
 نهم: امامیه که خلف صالح، حجة بن الحسن العسکری علیه السلام است.
 دهم: جمهور اهل سنت که مهدی را کسی تعیین نکنند و در آنجا ذکر نمودیم
 اسماییست نفر از علمای ایشان را از فقها و محدثین و عفا که با امامیه در این مطلب موافقند با
 ذکر کلمات آنها و مدح و توثیق ایشان از علمای این ایشان از حدیث مسلسل شیخ بلادی
 معروف که از خود آن حضرت روایت کرده و ذکر کرده شبهه از حدیث اهل سنت را بر امامیه
 در این مقام و جواب آنها به نحوی که در کمتر کتابی جمع شده و نیز در آنجا ابطال نمودیم قول
 شاذی را که فرزند امام حسن علیه السلام وفات کرده.
 باب پنجم: در اثبات نمودن مهدی موعود همان حجة بن الحسن عسکری علیه السلام
 از روی نصوص اهل سنت
 و از آنها سی حدیث ذکر شده و نصوص امامیه، زیاده بر آنچه علامه مجلسی در جلد نهم
 و سیزدهم بحار نقل فرموده و آنها چهل حدیث با سند نقل شده و بیشتر آنها از کتب (غیبت)
 فضل بن شاذان است.
 باب ششم: در اثبات دعوی مذکوره از روی معجزات صادره از آن جناب
 زیاده از آنچه در ابواب دیگر متفرقا ذکر می شود و از غیر کتبی که علامه مجلسی ره از آنها

نقل فرموده و از آنها چهل معجزه نقل نمودیم.

باب هفتم: در ذکر آنان که در غیب کبری خدمت آن جناب رسیدند یا بر معجزه آنبزرگوار واقف شدند. اثری از آثار دالّه بر وجود آن جناب که عمده غرض از تالیف این کتاب بود، در آنجا صد حکایت ذکر شده است. و قبل از شروع در آنها، ذکر شده نام آنان که در غیبت صغری خدمت آن جناب مشرف شدند یا واقف شدند بر معجزه‌ای و در ذیل بعضی از آنها مطالب مناسبه درج شده است.

چنانچه در ذیل اول، کیفیت نماز منسوب به امام عصر علیه السلام از برای شداید و حاجات و حال مسجد جمکران در قم که به امر آن حضرت بنا شده، ذکر شده.

و در دوم که به شهرهای فرزندان آن حضرت است، اثبات شده بودن عیال و اولاد برای آن جناب و امان وجود چنین بلاد در همین ارض در بریا بحر و مستور بودن آن از انظار، حتی از عبور کدگان و اعدا و وقوع نظایر آن، به نحو اختصار و در ذیل سی و هفتم که قصه جزیره خضر است این مصداق را در روایات بیان شده.

و در پنجم، اجمال احادیثی که در حق پسر اسماعیل هرقلی که زخم رانش را در سامره، حضرت شفا داد.

و در ششم، ذکر یکی از رقا ع اسعائه به آن حضرت که قلیل الوجود است.

و در هفتم، تحقیق حال نرمی کف مبارک آن حضرت و حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله یا در شتی و غلظت آن و اختلاف شرائح احادیث در قرائت (شتن الکفین) که در خبر شمایل است که با تائید قرشت است یا تاء نخذ.

در دهم، توضیح آنکه شارع ترددات کتاب شرایع، در حق زید علی است.

و در یازدهم، بیانی از الطاف خفیه و هدایات خاصه الهیه در ذکر اسامی معروفین از بنی طاووس که ارباب تصانیف اند.

و در ذیل نوزدهم، اشکال در خبر معروف اللهم شیعتنا منا الخ و کلامی که در حق آن جناب است.

در بیستم، شرح نسبت هر روز از آیام هفته به امامی و کیفیت نماز هدیه که برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام کرد و ترتیب آن در آیام هفته و ذکر تسبیح امام عصر علیه السلام که باید از روز هجدهم هر ماه خواند تا آخر ماه.

و در بیست و دوم، ذکر تسبیح امام عصر علیه السلام به سید رضی الدین آوی داد.

و در بیست و هفتم، اشاره به این که وجود اماکن شریفه مانند مشاهد و مساجد و مقابر امام

زادگان و صلحا و مواضعی که یکی از حجج طاهره در آنجا قدم گذاشتند در یلاد، از نعم سنیه الهی است.

و در بیست و هشتم، ذکر دعای معروف که باید در ماه رجب و مسجد صعصعه خواند.
و در سی ام، ذکر چند دعا که معروفند به دعای فرج.
در سی و یکم، ذکر خبر ثواب زیارت ابی عبدالله علیه السلام در شب جمعه که امام عصر علیه السلام حکم به صحت آن فرمودند.

در سی و هفتم که قصه جزیره خضراست، بیان اعتبار سند آن و حال فضل بن یحیی، رازی آن و ذکر پاره‌ای نظایر آن و کلمات اشعریه در اماکن وجودا و غرب از آن و اجمالی از حال جابلسا و جابلقا و کمر بهم امام عصر علیه السلام از خمس، در ایام غیبت و تکلیف آنکه به دستش می‌افشید و سب و سلوک امام زمان علیه السلام در غذا و لباس.

در سی و هشتم، اجمالی حال جناب میرزا محمد تقی الماسی.
و در پنجاه و یکم، ذکر قضی حجار که اسم امامی در آن منقوش شده بود.
و در پنجاه و دوم و سوم و چهارم، بیان شیخ مفید رحمه الله رسید و بیان عدد و اعتبار آنها و عذر عدم تعرض ذکر امامان و آیات ظهور در این کتاب.

در شصت و چهارم، بیان اختلاف نسخ و کتب کامله.
و در شصت و پنجم، ذکر بعضی از روایات ضعیفه کامله.
و در شصت و ششم، ذکر کرامتی از شیخ محمد باقر صاحب کرامات معالیم.
و در هفتادم، اختلاف نسخ زیارت جامعه و فضیله صحابه و زیارت عاشورا.
و در نود و دوم، اشاره به بعضی از مقامات عالیه صاحب کرامات، جناب سید باقر قزوینی اعلی الله مقامه.

و در نود و ششم، اجمالی از احوال سید الفقها، جناب سید مهدی قزوینی و برادر زاده آن مرحوم.

در ذیل حکایت و در ذیل حکایت صدم، ذکر شبهه و استبعاد مخالفین در طول راه امام زمان علیه السلام و ذکر بعضی از کلمات آنها و جواب از آنها مشروحا و ذکر عباد که صاحب قاموس گفته که او هفت سال در صحرا خوابید و ذکر کلمات و شمه‌ای از تکالیف جماعتی از اهل سنت که دعوای رؤیت آن جناب را کردند در ایام غیبت و ذکر جمله‌ای از صعمرین و حدیث غریبی در حال دجال که از اخبار صحیحیه ایشان است و حکایت عجیبی از الیاس نبی علیه السلام و شرح

حال معمر مغربی و سبب طول عمر او و بیان رفع توهم تعدد در او و بیان جواز طول عمر به قواعده نجومیه و بعضی فواید طریقه و مراد از خرابات در حکایت شصت و ششم.

باب هشتم: در جمع بین حکایات و قصص مذکوره و آنچه رسیده در اخبار که باید مدعیرویت را در غیبت کبری تکذیب نمود و بیان وجوب صرف آن اخبار از ظاهر خود و ذکر پنج وجه برای آنها از کلمات علما و مطاوی اخبار ظاهر می شود و ذکر تصریح جمعی از اعلام به امکان رویت در ایام غیبت و بعضی از کلمات سید جلیل علی بن طاووس که ظاهر است در دعوی دین مآثم برای نفس خود.

باب نهم: در عذر داخل نمودن چند حکایت از درماندگان در بیابان و غیر آنها در ضمن حکایات و تقدیر نبودن شاهی در آنها بر اینکه آن نجات دهنده و فریادرس، امام عصر علیه السلام بوده؛ چنانچه سایر علما ذکر کردند و بیان آنکه به هراممی برای کدام حاجت باید متوسل شد و اثبات آنکه اغاثه ملهوفین، از مناصب خاصه امام زمان علیه السلام است و ذکر لقب غوث و قطب و مهدیه آن سالح برای آن جناب و کلام شیخ کفعمی در ذکر قطب و اوتاد و ابدال و نجبا و صلحا و شیخ آن فریادرس و نجات دهنده به نحو خارق عادت یا خود آن جناب است یا از خواص منزه از عیب و بر تقدیر نبودن آن شخصیکی از این دو احتمال بودن او یکی از اولیا، باز دلالت کند بر اصل بقا و دو که وجود آن جناب است.

باب دهم: در ذکر شمه ای از تکالیف آن جناب و آداب و رسمبندی و عیودیت خلق بالنسبه، به ایام غیبت و از آنها است نیز ذکر شده:

اول: مهصوم بودن برای آن جناب و برای آن سبب ذکر شده.

دوم: انتظار فرج و ثواب فضل آن.

سوم: دعا کردن از برای حفظ آن وجود مبارک و از درستی مائمه مطلقه و موقته، هفت دعا برای این حاجت ذکر شده.

چهارم: صدقه دادن برای سلامتی وجود آن شخص معظم.

پنجم: حج کردن یا حجه دادن برای آن ولی النعم.

ششم: برخاستن از برای تعظیم شنیدن اسم مبارک آن حضرت.

هفتم: دعا کردن از برای حفظ دین و ایمان خود، از شر شیهای شیطانی جن و انس داخلیو خارجی در ظلمات ایام غیبت و از ادعیه مائوره هفت دعا برای این مطلب ذکر شده.

هشتم: استمداد و استعانت و استکفا و استغاثت به آن جناب در هنگام شداید و احوال و

کیفیت توسل و یکی از رقااع استغاثه و اشاره به بعضی از مقامات آن جناب در علمو قدرت الهیه و احاطه به رعایا و جهات تشبیه آن جناب در غیبت، به آفتاب زیر سحابو ذکر یکی از توسلات معروفه و مجربه به آن حضرت.

باب یازدهم: در ذکر پاره‌ای از ازمنه و اوقات که اختصاص دارد به امام عصر علیه السلام و تکلیف رعایا در آن اوقات بالنسبه به آن جناب و از آنها هشت وقت ذکر شده:

اول: شب قدر، بلکه بر دو شب معهود.

دوم: روز جمعه.

سوم: روز عاشورا.

چهارم: از طلوع تا غروب آن در هر روز.

پنجم: عصر دو شب.

ششم: عصر پنجشنبه.

هفتم: شب و روز نهم شعبان.

هشتم: روز نوروز و در هر یک از این اوقات و آداب و ادعیه متعلقه به آن و سبب نسبت آنوقت را به آن جناب بیان نمودیم. اشاره شد به اختصاص این اوقات را ممکنه منسوبه به آن جناب و نیز حضور آن حضرت در تشییع جنازه هر مؤمنی.

باب دوازدهم: در ذکر اعمال و آدابی که شاید بر آن بندگان، به سعادت ملاقات و شرف حضور باهر التور امام عصر صلوات الله علیه رسید، چه بشناسند و چه ناسد، در خواب یا بیداری و اثبات آنکه مواظبت عملی، از کردنیها و گفتنیها، خوب یابد، در هر روز، سبب تاءثیر و افاضه صورتی و انتقال از حالتی است به حالتی. والله العالم.